

آشفته‌گی غرائز و میلها

مسائل در این جا نه دیدن و از جوانی دیگر غفلت کردن گاهی زیادهای جبران ناپذیری بدنیا می‌آورد .

کاوشها و کشفیات روانی در يك قرن اخیر ثابت کرده که سرکوبین غرائز و تمایلات ، بالاخص غریزه جنسی ، مضرات و ناراحتیهای فراوانی بیارمیاورد ، معلوم شد اصلی که مورد قبول شاید اکثریت منکرین قدیم بود که هر اندازه غرائز و تمایلات طبیعی ضعیف تر نگاه داشته شوند میدان برای غرائز و نیروهای عالیتر بخصوصاً قوه عاقله بازتر و بی مانع تر میشود . اصلی ندارد ، غرائز سرکوب شده وارد شده ، پنهان از مشهور ظاهر ، جریاناتی را طی میکنند که جدا نظر فردی و جدا نظر اجتماعی قوی القاعده برای بشر گران تمام میشود و برای اینکه تمایلات و غرائز طبیعی بیشتر تحت حکومت عقل واقع شوند و آثار تخریبی بیارند باید تا حد امکان از سرکوب شدن و زخم خوردگی و ارضانگدن آنها جلوگیری کرد .

روان‌ناسان ریشه بسیاری از نواحی ناراحت کننده عصبی و بیماریهای روانی و اجتماعی را احساس محر و بیعت خصوصاً در زمینه امور جنسی تشخیص دادند ، ثابت کردند که محر و بیعتها بعداً تشکیل میدهند ، و عندها احیاءاً بصورت صفات خفیه تا کسی ما نشمیل به علم و جنایت ، کبر ، حسادت ، انزوا و گوشه گیری ، بدبینی و غیره ، تعلیم میکنند .

اصلی بالا در موضوع زیادهای سرکوب کردن غرائز از نوع کشفیات فوق القاعده بالارزش روانی است و در ردیف ارزشمندترین حوالتیهای بشر است .

مردم غالباً بواسطه این به محسوسات و آشنائی بیشتر آنها برای کشفیاتی ارزش زیاده قائل میشوند که در زمینه امور فنی و معنوی و استعدادات قوای طبیعی بی جان صورت گرفته باشد ، اما کشفیاتی که در زمینه مسائل روحی و روانی صورت میگردد کمتر مورد توجه عام مردم میتواند قرار بگیرد ، ولی از نظر مردم دانستند و آگاهان اهمیت مطلب محفوظ است .

هر چند کم و بیش در حکمتهایی که از گذشتگان بیادگار مانده و بالاخص در آثار اسلامی

(پتیه در صفحه ۵۰)

حقیقتاً اینست اشباع طبیعی فریزه و سرکوب نکردن آن بطلب است آزادی جنسی و رفع ترسرات و موازین اخلاقی طلب دیگر. اشباع فریزه یا در نهایت اصل غنث و توری منافی نیست بلکه تنها در سایه غنث و تنواست که میتوان فریزه را بعدکافی اشباع کرد و جلو عیبهای بی جا و ناراحتیها و احساس محرومیتها و سرکوب شدن های ناشی از آن میبای آنها را گرفت.

بهارت دیگر پرورش دادن استندادهای از پر دادن به هوسها و آرزوهای پاپان ناپذیر است.

یکی از ممتنان و امتیازات انسان از حیوانات اینست که دونوع میل و تمنا در وجودش ممکن است پیدا شود: تمناهای سادق، تمناهای کاذب.

تمناهای سادق همانهاست که مقتضای طبیعت اصلی است. در وجود هر انسانی طبیعت میل به سیادت ذات، بقدرت و تسلط، بپنهور جنسی، بقا خوردن و امثال اینهاست. هر یک از این میلها هدف و حکمتی دارد. به علاوه همه اینها محدودند.

ولی همه اینها ممکن است زمینگیک تمناهای کاذب واقع شوند. اشتباهی کاذبی که افراد در مورد خوردنیها پیدا میکنند مشهور و معروف هم است.

در بعضی از میلها و غرائز که فریزه جنسی از آنهاست این تمنا غالباً بصورت یک غلظت روحی در میآید، یعنی قناعت و پایان پذیری را در آن راه نیست.

فریزه طبیعی را میتوان اشباع کرد. اما تمناهای کاذب خصوصاً اگر شکل غلظت روحی بخود بگیرد، اشباع پذیر نیست.

اشتباه کسانی که برای جلوگیری از سرکوبی غرائز و سببطور رشد بیشتر استندادهای فریزه اخلاقی آزاد را با اصطلاح پیشنهاد کردند ناشی از اینست که این تفاوت شگرف انسان و حیوان را نادیده گرفتند و به این جهت توجه نکردند که میل به بی نهایت در سرشت انسان نهفته است. انسان چه در زمینه پول و اقتصادیات، چه در زمینه سیاست و حکومت و تسلط بر دیگران و چه در زمینه امور جنسی اگر زمینها سعادی برای پیشروی ببیند در هیچ حدی توقف نمیکند. خیال کردند که ساجت جنسی در وجود بشر فی المثل نظیر حاجت طبیعی هر کسی به آردار و خالی کردن مثانه است. منبع و حبس آردار از نظر پزشکی مضرت فراوانی دارد. اما خالی کردن آن حدود و شرائطی ندارد. اگر فرضاً کسی قدم بگذرد در کوچهها و خیابانها محل مناسب و پاکیزه و معجانی برآمد آردار بیاید بیش از مقدار حاجت به آنها توجهی نخواهد کرد.

نهایت جهالت است که فریزه جنسی، یا سریزه قدرت شلیسی یا پول پرستی بشر را از این قیل بدانیم و توجه خود را تنها بجنبه های محرومیت و اشباع شدن فریزه منسلوب کنیم و غوازش حوت آرزو و پایان ناپذیر حوت محضاً نادیده بگیریم.

اگر انسان در این زمینها مانند حیوانات ظرفیت محدود و پایان پذیری میداشت احتیاجی نبود به مقررات سیاسی و نه مقررات اقتصادی و نه مقررات جنسی. از نظر اخلاقی نیز نه تزاری یا اخلاق سیاسی و اجتماعی بود. نه با اخلاق اقتصادی و نه با اخلاق جنسی. همان ظرفیت محدود طبیعی همه مشکلات را حل میکرد.

اما همچنانکه از مقررات و اخلاقی محدود کننده، در روابط اجتماعی و امور اقتصادی و از غنث و تنوای سیاسی و اجتماعی، گزیری نیست از مقررات و اخلاق محدود کننده جنسی و از غنث و تنوای جنسی، نیز گزیری نمیباشد. (۱)

(۱) مکتب اسلام - در دو شماره گذشته راجع به این موضوع بحث کرده بودیم. خوشوقتیم که از این شماره دنباله آنرا در اختیار خوانندگان محترم قرار دادیم.

توجه فرمایید!

بدینوسیله از عموم خوانندگان مجله مکتب اسلام تقاضا میشود در نامه ها و تالیفات که برای دریافت پاسخ به سؤالات خود بفرستید در مجله ارسال بدارند. آدرس واضح و روشن خود را بنویسند، زیرا گاهی سؤالات آنها جنبه عمومی ندارد تا در مجله درج بشود. پاسخ سؤالات خوانندگان، مطرح شود. از این نظر برخی از پرسشهای آنها بر اثر نبود آدرس کامل بی جواب میماند. و احیاناً با نامه های دیگری از ما سؤال میکنند، که چرا سؤالات آنها در مجله جواب ندادیم. از این نظر تا کیده میشود. هر گونه سؤال که برای ما میفرستند آدرس خود را در ذیل نامه بنویسند. البته در صورتیکه مایل نباشند نام آنها در مجله نوشته شود. بدون امضاء سؤالات آنها را مطرح می کنیم.